

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۰۷ نومبر ۲۰۲۰



یونس نگاه

## جان پدر کجاستی؟

(قدرت اتحاد)

دوازدهم عقرب امسال، مهاجمان انتحاری در پوهنتون کابل ۶۲ تن را قربانی کردند (۲۲ کشته و ۴۰ زخمی). واکنش‌ها به این حمله وسیع و امیدوار کننده بود. فردا و پس از فردای حمله محصلان و تعدادی از ساکنان کابل تجمع و تظاهرات برگزار کردند، قلم به‌دستان، استادان پوهنتون که به خاموشی خود معروف‌اند، سیاست‌مداران و مردم عادی فریاد زدند و هشدار دادند. این واکنش وسیع و یکپارچه بر تمام جناح‌های داخلی و خارجی دخیل در منازعه افغانستان اثرگذار بود و خیلی‌ها قلباً یا جبراً اظهار همدردی کردند. حتی داعش و طالب به‌جای رقابت در گرفتن مسوولیت، تلاش کردند خود را بری بدانند. مردم خوب ایران و پاکستان همیشه همدرد ما بوده‌اند و خودشان نیز رنج‌های مشابه را کشیده‌اند، اما حکومت‌های آن دو همسایه نیز که خود در جنگ‌های خونبار منطقه ما دست دارند در این حادثه غم‌شریکی کرده‌اند. مقامات ایرانی که بارها و علنی مهمان‌دار تروریستان وطن ما بوده‌اند و از تمویل و تجهیز برخی حلقات طالب انکار نیز نمی‌کنند، این‌بار پیام‌های مدنی و شاعرانه فرستادند و گفتند درد شما را احساس می‌کنیم. در گوشه‌های مختلف جهان واکنش‌ها قابل توجه بود. ولی همیشه چنین نبوده است. سه مورد را به‌گونه مثال یادآوری می‌کنم:

سوم عقرب امسال حمله انتحاری بر کورس کوثر دانش، ۸۱ جوان و نوجوانی را که مصروف درس‌خواندن بودند قربانی گرفت. ۲۴ تن کشته و متباقی نیمه جان و زخمی شدند. واکنش‌ها اما عادی بود. مثل همیشه مسوولان تقبیح کردند. رئیس جمهور "غنی" حتی لازم ندید تقبیح‌نامه مستقل برای این قربانیان بنویسد، بلکه آن را در کنار حمله دیگری در غزنی سرجمع تقبیح کرد و تسلیت گفت.

هجدهم اکتوبر ۲۰۱۹ پدرانِ قریه جودره ولسوالی هسکه مینه در ولایت ننگرهار مشغول ادای نماز جمعه بودند که انفجار انتحاری اتفاق افتاد و ۹۹ تن پدر و برادر را تکه تکه کرد. ۶۴ تن ازین مردان کشته و ۳۵ تن شان زخمی شدند. گمان می‌رود بیش از دوصد فرزند یتیم شدند. حتماً آن روز و پس از آن فرزندان زیادی داد زدند که پدرجان کجاستی؟ اما این فریادها شنیده نشدند، بیرقی سرخم نکرد و در گوشه‌های جهان شمع افروخته نشد.

دوم ماه اسد ۱۳۹۵ حمله انتحاری بر تظاهرات جنبش روشنائی ۳۱۶ تن از بیدارترین‌های اقشار مختلف کشور (کارگر، محصل، استاد، کارمند، زن و مرد) را به خاک و خون کشید که در میان‌شان تعداد زیاد افراد تحصیل‌کرده بودند. ۸۶ تن ازین قربانیان جان دادند و ۲۳۰ تن‌شان نیمه‌جان و زخمی شدند. واکنش‌ها در میان سیاست‌مداران، تحصیل‌کردگان، روشنفکران همسایه و جهان چشمگیر نبود و از حد اعلامیه‌های رسمی، تقبیح و تسلیت نگذشت. چرا؟

۱ - چون دنیای سیاست دنیای نخبان است و خراشی که بر عضو نخبه جامعه و محیط او وارد شود، به مراتب بیشتر از زخم‌های کشته‌های اعتراض خلق می‌کند که در حاشیه‌های جامعه وارد می‌شود. مرگ خانواده دهقان با درد خانواده استاد پوهنتون مساوی نیست و واکنش‌های مشابه در پی ندارد. صدای استاد پوهنتون با صدای چوپان کانال‌های متفاوت دارند و در مسیرهای متفاوت به جریان می‌افتند. عکسی را که شاهد حمله بر پوهنتون کابل می‌گیرد فوراً به صفحه وکیلان، وزیران، دیپلمات‌ها و رسانه‌های معتبر می‌رسد، اما عکس شاهد مرگ فرزند راننده یا چوپان در فیسبوک خود و دوستانش زندانی می‌شود.

ازینرو بیدار ماندن استادان و تحصیل‌کردگان بسیار مهم است. آنان باید از حدیث نفس فراتر بروند و مسؤولیت‌های اجتماعی خود را نیز جدی بگیرند. بی‌طرفی و سکوت آنان مساوی به مشارکت در جنایاتی است که هر روز در شهر و کشورشان اما دور از محیط کار و خانواده آنان اتفاق می‌افتد.

۲ - همان‌هایی که در واکنش به این حمله خون‌بار خوب عمل کردند، به قدر کافی خوب نیستند. پوهنتون کابل چون به قوم، زبان و منطقه مشخص وابسته نیست، قربانیان نیز از یک گروه قومی و زبانی نبودند، لذا رگه‌های امرایی که درس‌خوانده‌ها را کور و کر ساخته است در این حادثه تور نخورد و کسی فکر نکرد: "هرچه باشد هزاره‌اند. خدام در کورس‌های‌شان چه درس می‌دهند، از کجا پول می‌گیرند و چه برنامه دارند." یا "چه کنیم، خود کرده را نه درد است نه درمان. طالبان از قوم‌شان است و همین‌هایی که کشته شده‌اند شاید زکات و عشر خود را به طالبان می‌داده‌اند. به ما چی که همدیگر را می‌کشند." یا "تاجیک‌ها کجا با ما غم‌شریکی کردند که ما به غم‌شان شریک شویم. بگذار آنان هم یگان‌بار درد دیگران را بچشند".

این‌ها تصورات من نیست، دایم از زبان درس خوانده‌ها و فیسبوک‌داران می‌خوانیم و می‌شنویم. در خیلی از حمله‌های انتحاری پای تسلیت‌نامه دشنام‌نامه‌های قومی و مذهبی قطار می‌شوند و تعدادی علنی اظهار خوشی می‌کنند. آنانی که خوددارتراند سکوت می‌کنند، کسانی که دیپلمات‌تراند تسلیت‌نامه‌های خنثی و کلیشه‌ای می‌نویسند، اما روشن است که همدلی کافی وجود ندارد.

درس مهم واکنش‌ها به حمله بر پوهنتون کابل این است که اگر ما آگاتر باشیم و درد همدیگر را بهتر درک کنیم، متحد عمل می‌کنیم و آن‌گاه حتی طالبان از ما حذر خواهند کرد، حتی داعش خطر روبه رو شدن با ما را به‌جان نخواهد خرید، و حکومت‌های ایران و پاکستان ایستادن کنار ما را بر حمایت از طالب ترجیح خواهند داد.

\*\*\*\*\*

ما اگر هم‌صدا باشیم، معادله‌ها دگرگون خواهند شد، چون جهان میدان داد و ستد است و قدرت‌های بزرگ جهان و کشورهای منطقه با نیروها حاضر به معامله‌اند نه با افراد متفرق و بی‌صدا. هم‌صدائی این‌بارشان نیز حاصل تغییر

سیاست آنان نیست بلکه نتیجه بیداری و اتحاد نسبی شماست. اگر مخالفان تروریسم، طرفداران صلح، حامیان یکپارچگی و پیشرفت افغانستان به نیرو تبدیل شوند، طالب خریدار نخواهد داشت، افغانستان مالکان دیگر خواهد یافت و حتی آنانی که "چشم" به این سرزمین دارند، با شما که خود را صاحب این وطن ثابت کرده‌اید، داد و گرفت خواهند کرد.

-جان پدر کجاستی؟

-پدر جان در گور تفرقه و جهالت شما مرده‌ام.